

ضمناً با توجه به آنچه گفته شد باید اصل ۱۶۷ قانون اساسی را تفسیر کرد (موسع دیده شود).

۱۷. استناد قضایی و کارشناسانه به ابزارهای نوین و گستره آن

در این باره قبلاً اشاراتی داشتیم، لکن به دلیل اهمیت آن، که می‌طلبد مستقلاً به چشم آید و اضافه کردن برخی اضافات، در قالب بحثی مستقل ارائه می‌شود.

آن چه قبلاً مورد اشاره قرار گرفت عبارت بود از:

- ابزارها و آزمایشات نوین بالاستقلال دلیل اثبات نیستند؛ بلکه طریقی برای حصول علم یا اطمینان برای کارشناسی و مقام قضایی به حساب می‌آیند.^۱
- کفایت قطع عقلی یا عادی^۲ مطلقاً (از میان اقوالی که بود) مورد تثبیت قرار گرفت؛ هر چند این کفایت - به ویژه در قاضی مأذون - قابل تحدید است.^۳
- نسبت به اطمینان (= علم عرفی) در مقابل قطع عقلی یا عادی، گفته شد: هر گاه اطمینان مربوط به مثل مفاهمه و برداشت از ظواهر باشد، استناد صحیح است و در غیر آن نظیر اعتماد به اطمینان در تعیین متهم و محکوم علیه اکتفاء ناصحیح است.^۴
- آن چه بیان گردید، نسبت به قطع و اطمینان به وفاق بود. نسبت به قطع و اطمینان بر خلاف ادله و امارات قانونی، باید گفت:

بدون تردید در قطع برخلاف، حکم بر وفاق دلیل و اماره قانونی متوقف می‌شود^۵ و مخالفت اندکی از فقیهان در خصوص اقرار^۶ (حجیت اقرار حتی با قطع برخلاف) مسموع نیست. این مخالفت از برخی حقوقدانان فرانسوی مثل ژان پرادل نسبت به مطلق ادله قانونی - حتی غیر اقرار - نیز نقل شده است.^۷

- نسبت به اطمینان بر خلاف ادله و امارات قانونی، وجهی برای استناد به اطمینان دیده نمی‌شود؛ بلکه در صورت وجود کشش در اسناد اعتباردهنده به آن ادله و امارات، مطابق آن‌ها حکم می‌شود.^۸

۱. a-alidoost. Ir سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱، جلسه ۲۵.

۲. دیده شود همان، جلسه ۱۸.

۳. همان، جلسه ۴۱ و ۴۲.

۴. همان، جلسه ۲۰ و ۲۱.

۵. همان، جلسه ۴۵.

۶. ر.ک: همان، جلسه ۵۶.

۷. ر.ک: همان، سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰، جلسه ۹۵.

۸. همان، سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱، ج ۲۶.

برخی مطالب دیگر از جمله اقتضای قانون در ج. ا. ایران نیز در گذشته بیان گردید؛ مراجعه شود.^۹

آرای فقیهان معاصر در استناد قضایی و کارشناسی به ابزارهای نوین

در پائینی از آرای فقیهان معاصر که معاونت آموزش قوه قضاییه صورت داده است در پاسخ به پرسش‌های ذیل، به یافته‌هایی که در ادامه به آن‌ها، اشاره می‌شود، رسیده است

• بخشی از پرسش‌ها به قرار ذیل است:

چنان چه دختری پس از وضع حمل، مدعی باشد که فلان شخص با وی زنا نموده است، اما متهم منکر اتهام انتسابی باشد، بفرمایید:

ا. اگر پزشکی قانونی در نتیجه آزمایش‌های دقیق علمی، مانند DNA طفل را به نامبرده منتسب کند، آیا این نظر شرعا حجت است؟

ب. چنان چه برای قاضی از این طریق علم، اطمینان یا ظن قوی حاصل شود، آیا میتواند به اقتضای آن عمل کند و حکم به مثل اثبات نسب نماید؟

ج. در صورت حجیت، آیا می‌توان حد زنا را بر متهم جاری کرد؟ در فرض حصول علم برای قاضی به عمل زنا، چطور؟

د. در صورت عدم اثبات حد زنا برای مرد، آیا تعزیر - به جهت ارتباط نامشروع - ثابت می‌شود؟

ه. در فرض عدم اثبات اتهام انتسابی و تقاضای حد قذف از سوی مقذوف، آیا حد قذف بر مدعی زنا جاری می‌گردد؟

و. با عدم تحقق شرایط قذف، آیا می‌توان مدعی را تعزیر کرد؟

ز. در صورت حجیت آیا دلیل مستقلی به حساب می‌آید یا اعتبار آن منوط به شرایط بینه است؟

ح. ...

• پاسخ‌هایی که به پرسش‌های فوق داده شده، با مدیریت آن‌ها، به ترتیب پرسش‌ها به قرار ذیل است:

ا. برخی نسبت به پرسش اول به طور مطلق نفی حجیت کرده، جمعی صورت قطع‌آوری (یا به اضافه صورت اطمینان) را استثنا کرده و برخی مناقشه صغروی نسبت به این پدیده‌ها دارند و گفته‌اند:

« این گونه آزمایش‌ها با توجه به تخلف‌های فراوانی که دارد، حجت نیست.»

البته با افاده قطع و قبول آن، این نکته وجود دارد که آیا بر مبنای استناد به این آزمایش‌ها، داوری می‌شود یا این ابزارها و آزمایش‌ها، هیچ شأنیت ندارد و به تعبیر برخی «در این صورت، می‌تواند به علم خود عمل کند»؟ در فرض اول برای این ابزارها نوعی شأنیت قائل شده‌ایم (مثلاً چون این پدیده‌ها، امور حسی است و علم برخاسته از حس اعتبار دارد) لکن در فرض دوم این مقدار از شأن هم قائل نشده‌ایم. دقت شود.

۹. همان، ج ۱۳ با عنوان «قانون مجازات اسلامی و علم یا اطمینان مقام قضایی».